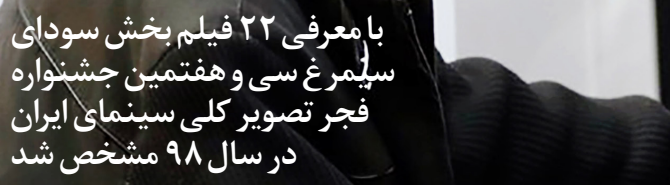
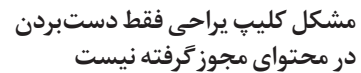


سجاد پورا احسان را دیر شناختیم، یار دبستانی مان که در حادثه اتوبوس علوم و تحقیقات پر کشید در خفا سفیر آزادی زندانیان دیه بوده است

عباس آخوندی به خاطر دولتی بودن اقتصاد استعفاداد و قاضی زاده هاشمی به خاطر دولتی نبودن، اصل ماجرا چیست؟ «۱، ۳»



عالمس | وحید محمد ادی | ان |



مجید حسینی در گفت و گو
با «فرهیختگان»:



رفقای نیمه راه دولت



کنایه صریح معاون رئیس‌جمهور به وزیر بهداشت که موفق‌ترین وزیر دولت معرفی می‌شد، نشان می‌دهد ماجرایی پول و طوطی‌های وزیر احتمالا آدرس دقیقی برای کناره‌گیری یک‌باره وزیر از دولت آن هم در کوران مشکلات و سختی‌های روحانی نیست؛ البته تهدید کردن علت اصلی، کار سختی نیست.

دوم نثر قبلی که از کابینه روحانی استفاده داده بود، دقیقاً نقطه مخالف وزیر بهداشت را برای کناره‌گیری از دولت اعلام کرده بود. عباس آخوندی، وزیر سابق راه در متن استغفانامه‌اش نوشته بود: «من بر این اعتقاد هستم که سه اصل پایداری به قانون، احترام به قانون مالکیت و اقتصاد بازار رقابتی را در هیچ شرایطی نباید زیر پا گذاشت». آنچه در تدبیر شرایط سخت ناشی از تحریم‌های آمریکا گذاشیدیم، نقض همین سه شرط است. در این صورت با این سطح از تفاوت دیدگاه، از حیث اخلاقی ادامه کار من درست نیست». وزیر سابق راه صراحتاً می‌گوید دخالت دولت در اقتصاد زیاد است و به همین دلیل دیگر نمی‌تواند در کابینه باشد. در همان روزهای نزدیک به استعفای جناب آخوندی درباره اینکه چگونه یک وزیر در دستگاه اجرایی جمهوری اسلامی به این راجعتی و صراحت از اصول اقتصاد نئولیبرال دفاع می‌کند و به اخلاقیات اینکه شرایط برای اجرای آن سیاست‌ها فراهم نیست قصد خداحافظی دارد، صحبت شد ولی از حیث تناقض بزرگی که دو «رفیق نیمه‌راه دولت» همزمان از آن استفاده می‌کنند تا دولت را ترک کنند، باید صحبت شود.

سوم: از سوی دیگر مسعود نیلی که امفز متفکر اقتصادی دولت در پنج سال و اندی پیش بوده هم از سمت دستیاری ویژه رئیس جمهور در امور اقتصادی و دبیر ستاد هماهنگی اقتصادی دولت حدوداً یک ماه و نیم پیش کناره گرفت. توضیح روشن‌تری از سوی نیلی درباره کنارگیری از دولت ارائه نشد اما احسام آشنا، مشاور رسانه‌ای روحانی گفته است نیلی از تئوری پردازی

خسته شده بود! آشنا تمام ماجرای «ارز ۴۲۰۰ تومانی» را به پای جهانگیری و نیلی نوشت.

چهارم برای پیدا کردن جواب اینکه چرا وزیر بهداشت، وزیر راه، فرمانده اقتصادی روحانی ... به یکباره تصمیم می گیرند از دولت کناره برند، نهمین سراغ متن استعفا نامه ها رفت، چون نمی شود قبول کرد همزمان دولت روحانی از یکسو «متهم به پول پاشی» توسط قیباله وزیر شود و از سوی دیگر «متهم به ندان پول» از طرف وزیری دیگر. مساله اصلی اینجااست: تفاوت شرایط سیاسی- اجتماعی در حال حاضر با سال ۹۶ و در زمانی که تصور می شد علبه گفتگمانی روحانی خیلی بالاست. در فاصله زمانی کمی با روزهایی هستم که همین اعضا کابینه تماماد در میدان نشانی از رئیس جمهور بودند تا آنجا همه شواهد قرائن نشان می دهد سیاست تخصصی بوده و مدیریت روحانی به همین سبک فعلی بوده و تغییری نکرده. پس چه چیزی تغییر کرده است؟ فقط شرایط روحانی و دولتش.

کسانی که از دولت کنار می‌روند، می‌دانند روحانی دیگر در شرایط سال‌های ۹۵ و ۹۶ نیست. شاید فشار سنگینی که بخشی از اصلاح‌طلبان برای کناره‌گیری جهانگیری از دولت انجام دادند هم بر این اساس بود. کسانی که آتش تهیه سنگینی برای حمایت از دولت روحانی به میدان آوردند، برای فرار از شرایط سخت روحانی فعلی از منفعلانه‌ترین روش سیاسی استفاده می‌کنند: «استعفا». البته کارنامه روشن افراد در طول پنج‌سال اول دولت قابل کتمان نیست و به همین دلیل مانند اصلاح سیاست‌های غلط هم از حیث شخصی برای این افراد بهتر بود، هم از حیث اخلاقی چون در آن صورت وقتی روحانی در اوج محبوبیت بود و سوار بر «برجام» به منتقدان می‌تاخت این افراد با رئیس‌جمهور عکس یادگاری گرفته‌اند اما حالا که شرایط برای نفر اول دولت سخت است و نیاز به ماندن نیروهای مورد اعتمادش دارد و دیگر آسیبی برای تاختن وجود ندارد، بوسه‌زدن بر چهارگوشه کابینه و خداحافظی چندان اخلاقی نیست.

پنجم مشابه همین روش، استراتژی اخیر سعید جباریان از بیرون دولت است. او نیز تا دید شرایط سخت شده در سرعت بالای چسبندگی دولت و اصلاح طلبان به یکباره «فرمان» جدایی داد. حتما بخشی از این رفتار برای ترمیم بدنه ناراضی است. برای اینکه به آنها بگوئیم ما سطح مطالباتمان را فراموش نکرده‌ایم؛ اما میان کل جامعه و بدنه رای، دیوار نیست و همه رفتار سیاسی جریان‌های مختلف را می‌بینند. نمی‌شود هم «کت» پوشید و هم «زیرشلواری» به امید اینکه اگر دولت این گردهن سخت را رد کرد با «زیرشلواری» سر سفره بنشینیم و هم سفره شویم، اما اگر مشکلات حل نشد یا «کت» درست منتقدان مادرزاد بگیریم. وضعیت همه «رفیقان نیمه‌راه» تاریخ مشابه هم است. هر کسی که در زمان سختی‌ها از پستوی سیاسی بهانه‌ای بتراشد تا خود را آسیب‌دیده پیاده شود، هم چوب کارنامه کشتی را می‌خورد هم بازنده ناجوانمردی سیاسی می‌شود. کسی هم که در هر دو جهت بیازد، در انتخابات ۱۴۰۰ توفیقی کسب نمی‌کند!

چنین چیزهایی که سرجمع باعث شده‌اند سانسور یا توقیف وزارت ارشاد، حتی اندکی این احتمال را به وجود نیاورد که آن اثر واقعا سزاوار توقیف یا سانسور بوده است. حالا مجید فروغی، مدیر روابط عمومی معاونت هنری وزارت ارشاد، در واکنش به اعتراضاتی که حول وحوش کلیپ «پاره سنگ» صورت گرفت، می‌گوید: «کلیپ منتشر شده در فضای مجازی، با کلیپی که دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به آن مجوز داده، مغایرت دارد و تحریف شده است. همچنین بخشی از شعر منتشر شده در این کلیپ، متفاوت با شعری است که برای درخواست مجوز ارائه شده بود. بنابراین کلیپ «پاره سنگ» آن چیزی نیست که دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به آن مجوز داده و غیرمجاز است.» وی در ادامه می‌گوید: «فعالیت موسسه‌ها که این کلیپ را منتشر کرد، معلق شده است.»

به طور قطع، توقیف این کلیپ یا هر نوع برخورد اینجینینی دیگر از طرف وزارت ارشاد یا تولید کنندگان آن، به نفع آن تولید کنندگان است که حالا جوی منفی و سنگین را در اطرافشان حس می کنند و نه به نفع منتقدان این نماهنگ. سنگین ترین تنبیه برای «پاره سنگ» و تولید کنندگانش این است که مصافحه نقد شوند.

آنچه در «پاره سنگ» دیده می‌شود، پره‌رهنه‌ای از همان تفکری است که در پس‌زمینه بسیاری از آثار هنری ایران وجود داشت و به‌جز معدودی از موارد، در اکثر اوقات مستقر بوده. سال‌هاست که خیلی‌ها شبیه همین حرف‌ها را می‌زنند اما از مه‌های برآبی باهوش‌ترند و صراحت کمتری به خرج می‌دهند که همین باعث می‌شود تناقضات سخن‌شان کمتر دیده شود. برآبی در این موزیک ویدئو، یک لباس نظامی پوشیده‌شده از بازوند حزب نازی آلمان را بسته‌اند و یک سربزه علیه جنگ طلسمی می‌گوید. این درحالی است که هم نازیست‌ها و هم کمونیست‌ها روسی، دهه‌هاست از بین

رفته‌اند دست کم در ۳۰ سال گذشته، هر جنگ خاتمان سوزی که در جهان رخ داده را ایالات متحده آمریکا، یعنی همان کشوری که هیچ نشانه‌ای از آن در این موزیک ویدئو نیست، به راه انداخته است. پراچی درحالی که این لباس‌ها را پوشیده و این نشانه‌ها را حمل می‌کند، از زبان مردم ایران و از زبان شهدای جنگ تحمیلی هم حرف می‌زند. این بخش از کار او بهشدت میهم و بی معناست. آیا مردم و شهدای ما مثل نازی‌ها و فروپاشیدگان شوروی هستند؟ پس چرا او در بخش‌هایی از ترانه‌اش، قهرمانان جنگ را به‌منوای قربانیان جنگ معرفی می‌کند؟ آیا ما هم‌زمان جلاد و شهید بوده‌ایم؟ پس چرا او می‌گوید که دلیل بزرگ بودن ختم جنگ را نمی‌فهمد؟ این تناقضات نه‌فقط از جنس مهدی پراچی و سراینده ترانه کارش (که شاعر معروفی هست)، بلکه از تناقضات کلی گفتمانی برمی‌خیزد که نه زیر بار حماسه بودن دفاع ایرانی‌ها در مقابل تهاجم یعنی‌ها می‌رود و نه حاضر است بپذیرد که آمریکا درحال حاضر مهم‌ترین جلاد جهانی است. پراچی سلافت است چون هرکس که این کلیپ را ببیند، بلافاصله خواهد پرسید پس آمریکا کو؟ چرا ما با نازیست‌ها و شلیک‌ها یکی نشان داده‌اند؟ چرا اشتراک ما با آنها چیست؟

هنر متعهد با موج سواری و کاسبی از تبهایی اجتماعی موجود تفاوت بسیاری دارد. وقتی فقر، جنگ، ناعادلتی، نبود آزادی و... دغدغه واقعی یک نفر نباشد و او صرفاً برای بهره‌بردن از جو مطلوب اجتماع درخسوی بعضی مسائل، سراغ این سوزه‌ها بیاید، نتیجه کار یک اثر از تناقض و مبهم و بی‌معنا از آب در خواهد آمد؛ چیزی شبیه کلیپ «پاره سنگ» که حال در فضای مجازی دست به دست می‌شود. اگر واقعاً کسی دغدغه کارگران را داشته باشد، باید قبل از انتخابات ۹۶ و هنگامی که معدن روی سرشان هوار می‌شد به فکر می‌انفاد نه حالا که در قاف حقوق آنها تبدیل به رُستی شده که مد روز است.

Advertisement's Organization

تلفن: ۰۲۱-۶۶۳۴۸۰۴۶-۶۶۳۴۸۰۱۸
فکس: ۰۲۱-۶۶۳۴۸۰۱۷

ایمیل: a66348018@gmail.com

فرهنگستان
سازمان آگهی های روزنامه

سازمان آگهی های روزنامه